

بررسی طواف نساء از منظر مذاهب اسلامی

فاطمه عبادی نیک^۱

چکیده

طواف نساء از اعمال حج و عمره مفرده است که مذاهب اسلامی در آن اختلاف نظر دارند. امامیه طواف نساء را یکی از اقسام طواف واجب می‌داند که با انجام آن، زنان و عقد آن‌ها بر مردان محرم، حلال می‌شود و بالعکس؛ اهل سنت طواف مشروع را سه نوع می‌دانند: طواف قدوم، زیارت و وداع. در منابع فقهی آنان هیچ ذکری از طواف نساء نشده است و معتقدند پس از طواف زیارت همه چیز حتی زنان بر محرم حلال می‌شود. امامیه در مشروعیت طواف‌های مذکور با اهل سنت اتفاق نظر دارند، علاوه بر آن به مشروعیت طواف نساء قائل هستند و آن را یکی از اعمال واجب غیر رکنی و یکی از محلل‌ها در حج و عمره مفرده می‌دانند. در این مقاله با روش توصیفی، تحلیلی و تطبیقی به بررسی اقسام حج و طواف از منظر مذاهب اسلامی پرداخته می‌شود، سپس با بررسی ادله فقهای شیعه پیرامون طواف نساء، مشروعیت و وجوب آن ثابت می‌گردد. در پایان، با بررسی واقعه حجة الوداع، تنها سند و مدرک سنت نبوی که مورد قبول همه مذاهب اسلامی است، حقانیت ادعای شیعه بر مشروعیت طواف نساء ثابت می‌شود.

واژه‌های کلیدی: حج، عمره، طواف نساء، مذاهب اسلامی، فقه تطبیقی.

۱. پژوهشگر و طلبه سطح چهار رشته فقه و اصول گرایش فقه خانواده جامعه الزهراء (ع)؛ F.ebadinik@gmail.com

An Investigation of Women's Circumambulation (Ṭawāf al-Nisā') from the Perspective of Islamic Denominations

Fatima Ebadinick¹

Abstract

Ṭawāf al-Nisā' is one of the acts of Hajj and Umrah on which the Islamic denominations disagree. The Imamiyah consider Ṭawāf al-Nisā' to be one of the types of obligatory circumambulation by which the relationship between a woman and her husband becomes lawful, and vice versa; Sunnis consider legitimate Ṭawāf to be of three types: Ṭawāf of arrival, Ṭawāf of pilgrimage to Mecca, and Ṭawāf of farewell. In their jurisprudential sources, there is no mention of Ṭawāf al-Nisā' and they believe that after Ṭawāf of pilgrimage, the relationship between spouses becomes permissible. The Imamiyah agree with the Sunnis on the legitimacy of the mentioned kinds of Ṭawāf. In addition, they believe in the legitimacy of the Ṭawāf al-Nisā' and consider it as one of the non-pillar obligatory acts and one of the things that makes a remarriage lawful in Hajj and Umrah. Using descriptive, analytical and comparative methods, this paper examines the types of Hajj and Ṭawāf from the perspective of Islamic denominations. Then, by examining the arguments of Shiite jurists regarding Ṭawāf al-Nisā', its legitimacy and obligation is proved. Finally, by examining Hījatu Al-Wadā', the only document and evidence of the Prophetic tradition that is accepted by all Islamic denominations, the veracity of the Shiite claim on the legitimacy of the Ṭawāf al-Nisā' is proved.

Keywords: Hajj, Umrah, Ṭawāf al-Nisā', Islamic denominations, comparative jurisprudence.

1. Researcher and Student of Level Four of Jurisprudence and Principles, the sub-discipline of Family Jurisprudence, Jami'at al-Zahra, F.ebadinick@gmailcom

دراسة طواف النساء من منظور المذاهب الإسلامية

فاطمة عبادي نيك^١

الخلاصة

طواف النساء هو أحد أعمال الحج والعمرة المفردة، والذي اختلفت فيه المذاهب الإسلامية. وبحسب الإمامية فإن طواف النساء يُعدّ من أقسام الطواف الواجبة الذي بالإتيان به تحلّ النساء وعقدن للرجال المحرمين وبالعكس. فيما يعتبر أهل السنة الطواف الشرعي ثلاثة أقسام: طواف القدوم والزيارة والوداع، ولم يرد ذكر في مصادرهم الفقهية لطواف النساء ويعتقدون أنه بعد طواف الزيارة يصبح كل شيء من ترك الإحرام حلالاً حتى النساء للمحرم. ويتفق الإمامية مع أهل السنة على شرعية الطوافات الثلاثة المذكورة، لكن إضافة إلى ذلك أنهم يقولون بمشروعية طواف النساء ويعتبرونه من الواجبات غير الركنية وأنه من محلّلات الحج والعمرة المفردة. وفي هذه المقالة تمّت دراسة أقسام الحج والطواف من منظور المذاهب الإسلامية، ثمّ من خلال بحث أدلة طواف النساء لدى فقهاء الشيعة تمّ إثبات مشروعيتها ووجوبه، وذلك طبقاً للمنهج الوصفي التحليلي والمقارن. وأخيراً، من خلال بحث واقعة حجة الوداع، وهي الوثيقة الوحيدة من السنة النبوية، والتي هي مقبولة عند جميع المذاهب الإسلامية، تمّ إثبات شرعية ادّعاء الشيعة مشروعية طواف النساء.

الكلمات المفتاحية: الحج، العمرة، طواف النساء، المذاهب الإسلامية، الفقه المقارن.

١. المحقق و طلبه سطح چهار رشته فقه و اصول گرایش فقه خانواده جامعه الزهراء (ع)؛ F.ebadinik@gmailcom

۱. مقدمه

حج به عنوان یکی از ارکان اسلام، ویژگی‌های خاصی دارد؛ به گونه‌ای که اگر مسلمانان به عمق این فریضه الهی معرفت پیدا کنند و آن گونه که باید عمل نمایند، قطعاً به منافع فراوانی دست خواهند یافت؛ منافعی که باعث رشد و تعالی مسلمانان و ویرانگر کاخ‌های ظلم و استبداد خواهد بود.

لازمه انجام حج صحیح، شناخت حج از ابعاد مختلف، به خصوص بعد فقهی است که از آن به مناسک حج تعبیر می‌شود. در این راستا، فقهای مذاهب اسلامی، فتاوی فقهی حج را تدوین کرده و در اختیار مکلفان قرار داده‌اند. طواف، از جمله مناسک حج است که مورد پذیرش فقهای مذاهب اسلامی است؛ به گونه‌ای که بالاتفاق بر هر مسلمان حج‌گزاری طواف بیت‌الله الحرام را واجب می‌دانند؛ اما از آنجا که ادله و برداشت فقها از ادله (قرآن و احادیث) متفاوت است، موجب شده نتوانند در جزئیات اتفاق رأی داشته باشند. از این رو، در پاره‌ای از فروع آن مانند اقسام طواف اختلاف نظر دارند. اهل سنت طواف مشروع را طواف قدوم، زیارت و وداع می‌دانند؛ ولی امامیه علاوه بر آنها، طواف نساء را نیز مشروع می‌دانند. دلیل اهل سنت، سنت نبوی مستند به دو روایت از عایشه و ابن عمر است و دلیل امامیه علاوه بر اجماع و احتیاط، روایات متواتری است که از ائمه معصومان علیهم‌السلام نقل شده است. امامیه با تمسک به اهل بیت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم احکام را از منشأ اصلی آن دریافت نموده، از انحرافات تا حد زیادی در امان مانده، ادله آنان از اتقان بیشتری برخوردار است. اهل سنت به دلیل آنکه قرآن و سنت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم را ملاک اعمال خود می‌دانند و از طرفی، قرآن به بیان جزئیات نپرداخته و کلیات را بیان نموده، علاوه بر آن سنت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم در طول تاریخ به خصوص در دوران ممنوعیت کتابت حدیث، بخش اعظم آن از بین رفته یا تحریف شده است؛ لذا بسیاری از حقایق احکام را از دست داده و غالباً به ادله غیرمتمن استناد نموده‌اند. جهت رفع شبهات و دفاع از فقه شیعه لازم است فقه شیعه و اهل سنت معرفی و سپس مقایسه شود تا اتقان و برجستگی فقه شیعی و ضعف برخی ادله اهل سنت نمایان گردد.

فقهها برای آشنایی مسلمانان با فتاوی فقهی مذاهب اسلامی، کتبی با موضوع فقه مقارن یا فقه تطبیقی تألیف نموده‌اند؛ از جمله «انتصار» سید مرتضی (۳۳۵-۴۳۶ق)، «الخلاف» شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ق)، «تذکره الفقهاء» و «منتهی المطلب» علامه حلی (۶۴۷-۷۲۶ق) و «الفقه علی مذاهب الخمسه» محمدجواد مغنیه. از آثار متأخران، «دروس فی الفقه المقارن» محمدابراهیم جناتی و «درس‌نامه در آمدی بر فقه مقارن» مصطفی جعفر پیشه‌فرد را می‌توان نام برد. در هیچ یک از این آثار، به بررسی تطبیقی طواف نساء به صورت مستقل و منسجم پرداخته نشده است. از آنجایی که به حسب نوع حج و عمره، نوع طواف و تعداد آن متفاوت است، در این نوشتار ابتدا اقسام حج، عمره و طواف تبیین و سپس به بررسی طواف نساء طبق نظر مذاهب اسلامی پرداخته می‌شود. در پایان، واقعه حجة الوداع، تنها مدرک مورد پذیرش مذاهب مختلف از سنت نبوی، تبیین و بررسی می‌شود تا حقایق ادعای شیعه ثابت شود.

۲. اقسام حج و عمره

۲-۱. اقسام حج

طبق آیه شریفه «لِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا» (آل عمران: ۹۷)، حج بر هر زن و مرد دارای شرایط یک‌بار در عمر واجب می‌شود که به آن «حجة الاسلام» می‌گویند. مذاهب اسلامی، حج را بر سه قسم می‌دانند: تمتع، افراد و قران (نجفی، بی‌تا، ج ۱۸، ص ۲؛ ابن رشد، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۴۴-۳۴۸؛ العلاف، بی‌تا، ص ۲۰؛ الجزیری، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۹۹۵؛ الزحیلی، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۰۴؛ النووی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۳)؛ اما در تعریف برخی از اقسام، اختلاف نظر دارند.

۲-۱-۱. حج تمتع

کسانی که بیش از ۱۶ فرسخ با مکه فاصله دارند، باید حج تمتع انجام دهند؛ یعنی ابتدا محرم به عمره تمتع شده، بعد از انجام اعمال عمره تمتع از احرام خارج می‌شوند و هر آنچه با احرام بر آن‌ها حرام شده بود، حلال می‌شود، مجدداً در روز هشتم ذی‌الحجه محرم به حج تمتع می‌شوند و اعمال حج را به جا می‌آورند. به دلیل آنکه بین عمره و

حج امکان بهره‌مندی از محرّمات وجود دارد، به این نوع حج، «حج تمتع» گفته می‌شود. اهل سنت قائلند این نوع تمتع در زمان پیامبر بوده و خلیفه دوم، از آن نهی کرده است. از این رو، ادخال حج بر عمره را جایز می‌دانند. اهل سنت روایتی را به تواتر از عمر نقل می‌کنند که گفته است: در عهد رسول الله ﷺ دو متعه جایز بود، من از آن‌ها نهی کردم و به خاطر آن افراد را عقوبت کردم: متعه نساء و متعه حج (همان).

۲-۱-۲. حج قران و افراد

اهالی مکه و اطراف آن تا کمتر از ۱۶ فرسخ باید حج قران و افراد به‌جا آورند. از نظر شیعه، در حج افراد، قربانی مستحب است و عمره پس از اعمال حج به‌جا آورده می‌شود. حج قران و افراد یکی هستند، چنانچه محرم در حج قران، قربانی با خود بیاورد، ذبح آن واجب است؛ چون هدی را با احرامش مقارن کرده و به آن «قران» گفته می‌شود (نجفی، بی‌تا، ج ۱۸، ص ۲؛ محمدی‌نژاد، ۱۴۱۲ق، ص ۸۵). دلیل شیعه روایاتی است که در آنها از حج قران، به حج افرادی که قربانی به همراه دارد، تعبیر شده است؛ مانند: امام صادق (ع) فرمود: «حج در نزد ما سه نوع است. حج تمتع، حج افرادی که هدی با خود سوق داده، حج افراد» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۲۱۲).

از نظر اهل سنت، قران آن است که برای حج و عمره یک احرام ببندد و پس از اعمال حج بلافاصله اعمال عمره را انجام دهد؛ بنابراین، با یک نیت و احرام هر دو را انجام می‌دهد. به این نوع قران، قران حقیقی می‌گویند. نوع دیگر قران حکمی است و آن عبارت است از ادخال حج بر عمره؛ یعنی اول احرام عمره ببندد، آن گاه احرام حج را بر آن داخل کند. اگر چه مذاهب اهل سنت درباره شرایط صحت این نوع قران اختلاف دارند؛ اما آن را صحیح می‌دانند. طبق نظر شیعه، این دو نوع قران جایز نیست. قران حقیقی (ادخال عمره بر حج) را شافعی، مالکیه، حنبلیه و شیعه صحیح نمی‌دانند. حنفیه آن را صحیح می‌دانند، هر چند آن را گناه شمرده‌اند. طبق نظر اهل سنت در حج قران، قربانی واجب است (العلاف، بی‌تا، ص ۱۲؛ ابن رشد، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۴۴-۳۴۸؛ جعفر پیشه‌فرد، ۱۳۸۶، ص ۳۴۴؛ الجزیری، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۰۸۲؛ الزحلی، بی‌تا، ج ۳، ص ۵۸۸؛ ابن قدامة، بی‌تا، ج ۷، ص ۲۷۶).

۲-۲. اقسام عمره

عمره نیز یک بار در طول عمر بر انسان دارای شرایط واجب است (نجفی، بی تا، ج ۲۰، ص ۴۴۱؛ الجزیری، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۰۶۹). دلیل آن، آیه «وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ» (بقره: ۱۹۶) و روایات متعددی است که به ذکر یک مورد بسنده می شود. امام صادق علیه السلام فرمود: «عمره مانند حج بر کسی که استطاعت دارد، واجب است؛ زیرا خداوند می فرماید: «وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ... سپس از حضرت پرسیدم کسی که عمره تمتع از حج تمتع به جای می آورد، آیا کفایت از عمره واجب می کند؟ فرمودند: بله» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، باب ۱، ج ۳). از میان مذاهب اسلامی حنفیه و مالکیه معتقدند انجام عمره یک بار در طول عمر مستحب مؤکد است و دلیل آن را روایتی از ابن ماجه می دانند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «حج واجب و عمره مستحب است» (ابن ماجه، بی تا، ج ۳، ص ۴۰۸؛ الجزیری، بی تا، ج ۱، ص ۱۰۷۲).

حنابله از قول احمد گفته اند عمره بر اهل مکه واجب نیست و در استدلال بر آن گفته است: ابن عباس در حالی که عمره را واجب می دانست، می گفت ای اهل مکه عمره بر شما واجب نیست، همانا عمره شما، طواف شما بر گرد خانه خدا است؛ زیرا افضل اعمال عمره، طواف است که شما انجام می دهید (همان).

۲-۲-۱. عمره تمتع و عمره مفرده

طبق نظر شیعه عمره دو نوع است: عمره تمتع و عمره مفرده. عمره تمتع، بر کسانی که اهل مکه نباشند واجب است و در ماه های شوال، ذی قعدة و ذی حجه انجام می شود. اعمال آن عبارت اند از: احرام، طواف عمره، نماز طواف، سعی و تقصیر. عمره مفرده، عمره ای است که در طول سال انجام می شود و مستقل از حج است. افضل اوقات برای انجام عمره مفرده، ماه رجب است. اعمال آن عبارت است از: احرام، طواف عمره، نماز طواف، سعی، تقصیر یا حلق، طواف نساء و نماز طواف نساء (نجفی، بی تا، ج ۲۰، ص ۴۴۹). طبق نظر اهل سنت عمره مانند حج بر سه قسم است: افراد، تمتع، قران. عمره افراد، همان عمره مفرده است که در غیر ماه های حج انجام می شود و افضل اوقات آن، ماه

رمضان است. مذاهب اربعه درباره اعمال و ارکان این عمره، نظرات متفاوتی دارند. حنابله اعمال عمره مفرده را احرام، طواف، سعی، حلق یا تقصیر می‌دانند. از میان آن‌ها احرام، طواف و سعی از ارکان هستند. از نظر حنفیه اعمال عمره مفرده احرام، طواف، نماز طواف، سعی، حلق یا تقصیر هستند که فقط طواف را از ارکان می‌دانند. مالکیه اعمال را احرام، طواف، نماز طواف، سعی، حلق یا تقصیر می‌دانند که احرام، طواف، سعی و رعایت ترتیب بین اعمال، ارکان هستند. شافعیه اعمال را احرام، طواف، سعی، حلق یا تقصیر می‌دانند که همگی از ارکان محسوب می‌شوند (الزحیلی، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۹۳؛ الجزیری، ۱۴۰۶ق، ص ۱۰۷۹؛ مجموعه من المؤلفین، ۱۴۰۴-۱۴۲۷ق، ج ۳۰، ص ۳۱۵؛ النووی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۳).
عمره تمتع، عمره‌ای است که قبل از حج تمتع انجام می‌شود. اعمال آن عبارت است از: احرام، طواف، سعی، حلق یا تقصیر. مالکی‌ها نماز طواف را نیز واجب و حنفی‌ها سنت مؤکد می‌دانند.

عمره قران، عمره‌ای که همراه با حج قران انجام می‌شود؛ حال قبل از آن یا بعد از آن، با توجه به اینکه ادخال حج بر عمره یا عمره بر حج را جایز بدانند یا نه (همان).

۳. اقسام طواف

۳-۱. کلام فقهای اهل سنت در اقسام طواف

ابن رشد آورده است: «علما اجماع دارند که طواف سه نوع است: طواف قدوم، هنگام ورود به مکه انجام می‌شود؛ طواف افاضه، بعد از رمی جمره عقبه در روز عید قربان انجام می‌شود و طواف وداع. همچنین علما اجماع دارند که طواف افاضه، طواف واجبی است که اگر فوت شود، حج باطل می‌شود و منظور از قول خداوند: «وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ»، طواف افاضه است که قربانی هم کفایت از آن نمی‌کند. جمهور علما بر این نظرند که اگر کسی طواف افاضه را فراموش کند، انجام طواف قدوم، مکفی از آن نیست؛ زیرا وقت طواف قدوم قبل از عید قربان است. طایفه‌ای از اصحاب مالک معتقدند که طواف قدوم مجزی از طواف افاضه است. از نظر آن‌ها، مکلف باید یک طواف انجام دهد؛ چه قدوم، چه افاضه. جمهور علما بر این نظرند اگر طواف افاضه را

انجام نداده باشد، طواف وداع مجزی از آن است؛ زیرا وقت انجام طواف وداع همان وقت افاضه است. علما بر آنچه از ابو عمر بن عبدالبر حکایت شده، اجماع دارند که طواف قدوم و طواف وداع از سنت الحاج هستند؛ مگر حاجی بترسد که اگر طواف قدوم انجام دهد، وقت به جا آوردن حج را از دست بدهد» (ابن رشد، بی تا، ج ۱، ص ۲۷۵).

ابن قدامة گفته است: «طواف‌های مشروع در حج سه نوع است. طواف زیارت از ارکان حج است و خلافی نیست که حج تمام نمی‌شود؛ مگر با آن. طواف قدوم سنت است و بر عهده کسی که آن را ترک کند چیزی نیست. طواف وداع واجب است و اگر ترک شود، باید قربانی کند. ابوحنیفه، اصحاب وی و ثوری معتقد به این سخن هستند. مالک گفته: اگر کسی طواف قدوم را ترک کند، باید قربانی کند و اگر طواف وداع را ترک کند، چیزی بر عهده او نیست و آنچه از شافعی روایت شده، این است که هم‌نظر با ما هستند در طواف وداع و هم‌نظر مالک هستند در طواف قدوم؛ یعنی بر عهده تارک طواف وداع و قدوم، قربانی است» (ابن قدامة، بی تا، ج ۷، ص ۲۰۳).

برخی دیگر گفته‌اند: «طواف سه نوع است: ۱. طواف رکن، همان طواف افاضه یا طواف زیارت است، اگر کسی آن را انجام ندهد حج او باطل است؛ ۲. طواف واجب، به آن طواف وداع یا صدر گفته می‌شود؛ ۳. طواف سنت، طواف قدوم به آن گفته می‌شود» (جزیری و همکاران، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۸۴۷).

۲-۳. کلام فقهای شیعه در اقسام طواف

ابن زهره بر این نظر است: «طواف دو نوع است، واجب و مستحب. طواف واجب سه قسم است: طواف تمتع، طواف زیارت، طواف نساء. طواف مستحب، غیر از این‌ها هر طوافی که مکلف انجام دهد. روایت شده مستحب است شخص در مدت اقامتش در مکه، سیصد و شصت طواف یا سیصد و شصت و چهار شوط انجام دهد و روایت شده رسول خدا ﷺ در هر شبانه‌روز، ده تا هفت دور طواف انجام می‌داد» (حلبی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۷۰).

ابن زهره در اقسام طواف گفته است: «زمان انجام طواف تمتع از هنگام ورود به شهر

مکه تا غروب روز هشتم ذی الحجه برای متمتع مختار است؛ اما برای مضطر تا قبل از غروب روز عرفه به طوری که وقوف در عرفه را درک کند. کسی که این طواف را عمداً ترک کند، حج تمتع او باطل است و باید در آینده آن را قضا کند. اگر واجب است، در نتیجه حج او به افراد تبدیل می شود و طواف حج مجزی از این طواف نیست. اگر کسی به ناچار این طواف را ترک کند، باید بعد از مناسک حج آن را قضا کند و چیزی بر عهده او نیست. به دلیل نفی حرج در دین. اما طواف زیارت، یکی از ارکان حج است، خلافی نیست. اگر کسی آن را عمداً ترک کند، حج او باطل است و اگر کسی آن را فراموش کرد، هر وقت یادش آمد، قضای آن را به جا آورد. اگر متذکر نشد تا به سرزمین خود برگشت، در آینده خودش قضای آن را به جا آورد و اگر نتوانست، نایب بگیرد تا از طرف او قضا کند. وقت طواف زیارت از زمانی که حاجی در روز عید قربان سرش را حلق می کند تا آخر ایام تشریق است. اما طواف نساء، وقت آن پس از پایان سعی حج تا آخر ایام تشریق است. اگر کسی عمداً آن را ترک یا فراموش کند تا به سرزمین خود برگردد، حجش باطل نمی شود؛ اما زنان بر او حلال نمی شوند تا خودش یا شخصی از طرف او این طواف را انجام دهد» (همان، ص ۱۷۱-۱۷۲).

شیخ طوسی گفته است: «از جمله واجبات حج، طواف خانه خداست. بر شخص متمتع سه طواف واجب است: طواف عمره، زیارت و نساء. بر شخص قارن و مفرد دو طواف واجب است: طواف حج و نساء... کسی که طواف زیارت را عمداً ترک کند، حجتی برای او محسوب نمی شود و اگر از روی فراموشی ترک کرده، باید طواف را هر وقت متذکر شد، اعاده کند. کسی که طواف نساء را عمداً ترک کند، حجش باطل نمی شود، الا اینکه زنان بر او حلال نمی شوند تا آن را به جای آورد» (طوسی، ۱۴۰۰ ق، ص ۲۷۲).

از قول مذهب اهل بیت علیهم السلام نقل شده است: «انواع طواف عبارت است: ۱. طواف عمره مفرد؛ ۲. طواف عمره تمتع یکی از ارکان حج است و حج با ترک عمدی آن باطل می شود؛ چه جاهل به حکم باشد، چه عالم؛ چه جاهل به موضوع باشد، چه عالم؛ ۳. طواف حج، طواف افاضه نامیده شده و یکی دیگر از ارکان حج است و با ترک

عمدی آن باطل می‌شود؛ ۴. طواف نساء. وقتی که متمتع طواف حج، نماز آن و سعی را انجام داد، بوی خوش بر او حلال می‌شود و از محرمات، نساء و صید باقی می‌ماند. پس واجب است طواف نساء را انجام دهد تا این دو بر او حلال شود. طواف نساء واجب غیر رکنی است، اگر عمداً ترک شود، حج باطل نمی‌شود؛ اما زنان بر او حلال نمی‌شوند و برعکس. مگر حاجی خودش یا نایش این طواف را انجام دهد؛ ۵. طواف مستحبی. هر کس بخواهد کم یا زیاد انجام می‌دهد» (جزیری و همکاران، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۸۴۷).

۴. بررسی اقسام طواف

۴-۱. طواف قدوم

اهل سنت اولین طوافی را که شخص محرم به حج، اعم از افراد یا قران، پس از ورود به مکه و قبل از وقوف به عرفات انجام می‌دهد، طواف قدوم یا ورود یا طواف تحیت می‌نامند؛ چون مانند نماز تحیت مسجد است. این طواف نزد جمهور فقهاء، سنت است برای کسانی که اهل مکه نباشند؛ زیرا برای اهل مکه طواف قدوم معنا ندارد. این طواف از سه دسته ساقط می‌شود:

۱. اهل مکه و کسانی که در حکم اهل مکه هستند؛ یعنی در اطراف مکه قبل از مواقیت زندگی می‌کنند. مالکیه معتقدند اگر همین افراد از میقات محرم شوند، باید طواف قدوم انجام دهند.

۲. مفرد و قارنی که بدون ورود به مکه، از میقات به سوی عرفات برای وقوف رفته است. مالکیه معتقدند کسی که به سوی عرفات رفته و طواف قدوم را ترک کرده، در حالی که وقت داشته باشد، باید فدیة بدهد.

۳. معتمر و متمتع، اگرچه از اهالی مکه نباشند؛ زیرا در عمره یک طواف واجب باید انجام شود که رکن نیز است، این طواف واجب از طواف قدوم کفایت می‌کند. حنابله معتقدند متمتع قبل از طواف افاضه، طواف قدوم انجام می‌دهد و شافعیه طواف قدوم را بر کسی که وارد مکه می‌شود، ولو محرم نباشد، مستحب می‌دانند؛ زیرا قادم و وارد بر او صدق می‌کند (الزحیلی، بی تا، ج ۳، ص ۵۱۵-۵۱۷؛ الجزیری، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۶۵۲؛ سیدسابق، ۱۴۱۹ق، ج ۱،

ص ۵۴۴؛ النووی، بی تا، ج ۱، ص ۴۱؛ ابن قدامه، بی تا، ج ۷، ص ۲۰۱؛ المالکی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۶۶۴).

در نظر فقهای شیعه، انجام طواف قبل از وقوف در عرفات بر مفرد و قارن مستحب است. مشهور فقهای شیعه، اصطلاح طواف قدوم را برای این طواف به کار نبرده‌اند؛ مگر معدودی، از جمله صاحب‌جواهر که فرموده است: «ظاهر از طواف قدوم، طوافی است که هنگام ورود به مکه انجام می‌شود، چه واجب باشد، چه مستحب، چه جزء اعمال حج یا عمره باشد، چه نباشد، پس از آن سعی انجام شود یا نه، ممکن است منظور از طواف قدوم، طواف مستحبی باشد که مفرد و قارن هنگام ورود به مکه قبل از وقوف انجام می‌دهد. نظر مشهور همین است. اگرچه اقرب قول اول است» (نجفی، بی تا، ج ۱۹، ص ۳۵۲).

۲-۴. طواف افاضه

حاجی پس از مناسک منی به مکه بازگشته، طواف نموده و بیت‌الله را زیارت می‌کند. به این طواف، «طواف زیارت» نیز می‌گویند.

این طواف به اتفاق همه مذاهب از ارکان حج است و حج تمام نمی‌شود؛ مگر با انجام آن. اگر کسی عمداً آن را ترک کند، حج او باطل است (ابن قدامه، بی تا، ج ۷، ص ۱۹۷؛ کاشانی، ۱۹۸۲، ج ۴، ص ۳۹۷؛ حلبی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۷۱؛ طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۲۷۲).

برخی دلیل رکن بودن آن را آیه «وَلْيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ» (حج: ۲۹) دانسته و گفته‌اند: «خداوند در این آیه، همگی را امر به طواف نموده و امر اقتضای وجوب دارد. در حالی که طواف قدوم اصلاً واجب نیست و طواف وداع هم بر همه از جمله اهل مکه، واجب نیست. در نتیجه، مراد آیه، طواف افاضه است؛ لذا این طواف رکن است» (کاشانی، ۱۹۸۲، ج ۴، ص ۳۸۱).

از این طواف به «طواف رکن» نیز تعبیر شده است. حنفیه معتقدند طواف رکن، چهار شوط اول طواف افاضه است و سه شوط دیگر، واجب است، نه رکن. دلیل آن اینکه چهار شوط، بیشتر شوط‌های طواف است و اکثر حکم کل را دارد (جزیری و همکاران، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۸۴۸).

علما اجماع دارند که مستحب است در یوم النحر پس از رمی، ذبح و حلق، این طواف انجام شود و اگر انجام آن را تا ایام تشریق یا بعد از آن تأخیر بیندازد، مکفی است و چیزی برعهده او نیست. مالک و حنفیه معتقدند اگر تأخیر طولانی شود، قربانی لازم است (النووی، بی تا/الف، ج ۹، ص ۵۸).

۳-۴. طواف وداع

حاجی غیر مکی هنگام قصد خروج از مکه طواف وداع انجام می‌دهد. از این طواف به «طواف صدر» هم تعبیر شده است؛ زیرا وقت آن هنگام خروج و صدور از مکه است. در وجوب یا استحباب آن، مذاهب مختلف اختلاف نظر دارند، مالکیه آن را مستحب (المالکی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۶۸۷) و حنفیه و حنابله آن را واجب دانسته، معتقدند در صورت ترک آن، قربانی لازم است (کاشانی، ۱۹۸۲، ج ۴، ص ۴۴۳ و ۴۴۹؛ ابن قدامه، بی تا، ج ۷، ص ۲۲۷). شافعیه درباره این طواف به دو قول (وجوب و استحباب) قائل هستند (النووی، بی تا/ب، ج ۱، ص ۴۳) و امامیه آن را مستحب می‌دانند (نجفی، بی تا، ج ۲۰، ص ۵۳).

قائلان به وجوب این طواف، دلیل آن را قول نبی اکرم ﷺ و روایتی از ابن عباس می‌دانند که مسلم در صحیح خود آورده است: «نبی اکرم ﷺ فرمود: احدی از شما از مکه کوچ نکند، مگر آخرین عمل او طواف بیت باشد. در حدیثی ابن عباس گفته: پیامبر اکرم ﷺ مردم را امر کرد که آخرین عهد و عملشان، طواف بیت باشد؛ مگر حائض که در مورد او تخفیف داد» (بن باز، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۵۶؛ کاشانی، ۱۹۸۲، ج ۴، ص ۴۴۳؛ مجموعه من المؤلفین، ۱۴۰۴-۱۴۲۷ق، ج ۱۷، ص ۵۷؛ النووی، بی تا/الف، ج ۹، ص ۶۸).

دلیل مالکیه بر استحباب طواف وداع این است: ما اجماع داریم بر عدم وجوب این طواف بر زن حائض و نفساء. در صورت ترک، فدیة بر آنها واجب نیست. در حالی که اگر طواف وداع واجب بود، بر زن حائض و نفساء نیز واجب بود، مانند طواف زیارت (کاشانی، ۱۹۸۲، ج ۴، ص ۴۴۳؛ مجموعه من المؤلفین، ۱۴۰۴-۱۴۲۷ق، ج ۱۷، ص ۵۷).

دلیل شیعه بر استحباب این طواف، علاوه بر اجماع (منقول و محصل) روایاتی است که در باب تودیع بیت وارد شده است؛ از جمله روایتی از امام صادق علیه السلام که فرموده

است: «هنگامی که قصد خروج از مکه نمودی، پس اهلت را جمع کن و با خانه خدا وداع کن و هفت بار طواف انجام بده و ...» (نجفی، ج ۲۰، ص ۵۳؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، باب ۱۸، ح ۱).

۴-۴. طواف نساء

طواف نساء یکی از اقسام طواف است که شیعه اعتقاد به وجوب آن در اقسام سه گانه حج و عمره مفرده دارد که با انجام آن زنان و عقد آن‌ها بر مردان حلال می‌شود و بالعکس. اهل سنت بالاتفاق منکر آن هستند و از آن نه به عنوان واجب و نه به عنوان مستحب نامی نبرده‌اند و زنان را با طواف زیارت حلال می‌شمارند. در هیچ یک از کتب اهل سنت، ذکری از این طواف به میان نیامده است. در ادامه، کلام فقهای شیعه و ادعاهای آن‌ها درباره طواف نساء را ذکر و سپس به بررسی ادله آن‌ها پرداخته می‌شود.

۵. کلام فقهای شیعه در طواف نساء

علامه حلی رحمته الله می‌گوید: «طواف نساء واجب است اجماعاً. اگر خللی به آن وارد شود، زن بر محرم حرام می‌شود تا خود یا نایب او این طواف را انجام دهد» (حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۲۰۲).

شیخ طوسی رحمته الله گفته است: «طواف نساء واجب است و زنان حلال نمی‌شوند؛ مگر با این طواف و اگر محرم این طواف را ترک کند، زنان بر او حلال نمی‌شوند؛ مگر برگردد و این طواف را انجام دهد یا شخصی را امر کند که این طواف را انجام دهد و جمیع فقهای (اهل سنت) در این طواف با ما مخالف هستند» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۱۹).

در ادامه گفته است: «محلل‌ها در حج سه چیز است: اول، هنگامی که حاجی، رمی، حلق و ذبح را انجام می‌دهد، همه چیز بر او حلال می‌شود؛ مگر زنان و بوی خوش. دوم، هنگامی که طواف زیارت و سعی را انجام می‌دهد، بوی خوش حلال می‌شود. سوم، هنگامی که طواف نساء را انجام می‌دهد، زنان بر او حلال می‌شوند (البته صید بر او حلال نیست؛ زیرا در حرم است) و احدی (از اهل سنت) طواف نساء را معتبر نمی‌دانند.

دلیل ما بر وجوب این طواف اجماع فرقه و احتیاط است» (همان، ص ۴۱۳).
در نهاییه می‌فرماید: «اگر کسی طواف نساء را عمدتاً ترک کند، حج او باطل نمی‌شود؛ الا اینکه زنان بر او حلال نمی‌شوند» (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۲۷۲).
علامه حلی رحمته‌الله فرموده است: «در نزد علمای ما وجوب طواف نساء، اجماعی است. این طواف بر مردان، زنان و خنثی واجب است و عامه بر عدم وجوب آن اتفاق نظر دارند. اگر حاجی یا کسی که عمره مفرده به‌جا می‌آورد، طواف نساء را ترک کند، زنان بر آن‌ها حلال نمی‌شوند، واجب است در صورت امکان برگردد و این طواف را انجام دهد و در صورت عدم امکان برگشت، کسی را امر کند تا به نیابت از او این طواف را انجام دهد» (حلی، بی‌تا، ج ۸، ص ۳۵۳).
محقق کرکی رحمته‌الله بیان کرده است: «طواف نساء در حج و عمره مبتوله، نه عمره تمتع، بر مردان، زنان، کودکان و خنثی واجب است» (کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۲۰۴).
شهید ثانی رحمته‌الله آورده است: «طواف نساء در حج و عمره مفرده بر هر زن، مرد، کودک و خنثی واجب است. این طواف رکن نیست اجماعاً. مراد از رکن در اینجا چیزی است که با ترک عمدی آن حج باطل می‌شود» (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۵۵ و ۳۴۸).
ایشان در جایی دیگر بیان می‌کند: «هر طوافی واجب و رکن است؛ مگر طواف نساء. پس اگر طواف (غیر از طواف نساء) عمدتاً ترک شود، حجش باطل می‌شود؛ اگرچه جاهل باشد، اگر فراموش کند، باید آن را اعاده کند و اگر ممکن نیست، شخصی به نیابت از او آن را انجام دهد. اما ترک عمدی طواف نساء باعث بطلان حج نمی‌شود و واجب است آن را به‌جا آورد؛ اگرچه فراموش کرده باشد. بدون آن زنان حتی عقد آن‌ها حلال نیست بنا بر اقرب، یکسان است که مکلف مرد باشد یا زن، تمکین زوج بر او حرام می‌شود و طواف وداع مجزی از آن نیست» (شهید ثانی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۴۰۳-۴۰۴).
ابن زهره می‌گوید: «زمان انجام طواف نساء از پایان سعی حج تا آخر ایام التشریق است. اگر کسی عمدتاً یا ناسیاً آن را ترک کرد، تا به‌سوی اهلش بازگشت، حج او باطل نمی‌شود؛ لکن زنان بر او حلال نمی‌شوند تا خودش یا نایبش این طواف را انجام دهد. دلیل ما بر آن، اجماع و احتیاط است. خلافاً نیست که نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم این طواف را انجام

داد. مخالفین ما این طواف را، صدر نامیده‌اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خذوا عنی مناسککم، از مخالفین روایت شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که حج به جای می‌آورد باید آخرین عهد و عمل او طواف باشد و ظاهر این امر وجوب این طواف است» (حلبی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۷۲).

ابن بابویه گفته است: «اگر مرد طواف نساء را به جا نیاورد، زنان بر او حلال نمی‌شوند تا این طواف را انجام دهد. زن اگر طواف نساء را انجام ندهد، مجامعت بر او جایز نیست تا این طواف را انجام دهد. مگر این دو، طواف وداع انجام دهند؛ زیرا طواف وداع همان طواف نساء است» (بروجردی، بی تا، ص ۹۹).

ابن جنید نیز طواف نساء را «طواف وداع» نامیده و واجب دانسته است (اسکافی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۳۹).

صاحب جواهر می‌فرماید: «طواف نساء در حج و عمره مفرده واجب است و دلیل آن، روایات و اجماع (محصل و منقول) می‌باشد» (نجفی، بی تا، ج ۱۹، ص ۴۰۵). ایشان طواف نساء را به عنوان یکی از محلل‌های سه گانه دانسته است (همان، ص ۲۵۱).

۱-۵. ادعاهای مطرح شده در طواف نساء

در کلام فقهای شیعه چندین ادعا درباره طواف نساء ملاحظه می‌شود:

۱. طواف نساء واجب است؛
۲. طواف نساء در اقسام حج و عمره مفرده واجب است؛
۳. طواف نساء رکن نیست؛
۴. یکی از محلل‌ها محسوب می‌شود؛
۵. بر هر حاجی و معتمری این طواف واجب است؛
۶. طواف نساء همان طواف وداع است.

۲-۵. ادله فقها بر هر یک از ادعاها

پس از اجماع و احتیاط، عمده دلیل فقها بر ادعاهای مطرح شده، روایات فراوانی

است که در باب طواف نساء وارد شده؛ به گونه‌ای که در کتب روایی شیعه، بایی را به خود اختصاص داده است. از جمله:

- امام رضا علیه السلام فرمودند: «مراد از قول خداوند «وَلْيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ»، طواف واجب، یعنی طواف نساء است» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۹۹، ح ۱۴).
- حماد می گوید: «از امام صادق علیه السلام درباره قول خداوند «وَلْيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ» پرسیدم. فرمود: آن طواف نساء است» (همان، ح ۱۵).

این سه روایت بر وجوب طواف نساء دلالت می نمایند:

- اسماعیل بن رباح از امام رضا علیه السلام سؤال کرد: «آیا بر کسی که عمره مفرده به جا می آورد، طواف نساء واجب است؟ حضرت فرمود: بله» (همان، ح ۱۸).

- امام صادق علیه السلام فرمود: «عمره گزار طواف، سعی و حلق می نماید. چاره‌ای نیست بر او جز اینکه بعد از حلق، طواف دیگری بنماید» (همان، ص ۲۳۰، ح ۱۹).

- ابوالقاسم مخلد بن موسی الرازی به امام نامه نوشت و از عمره مفرده گزار پرسید که آیا بر او طواف نساء واجب است؟ و همچنین از عمره تمتع برای حج؟ امام نوشت: بر عمره مفرده گزار طواف نساء واجب است؛ اما بر کسی که عمره تمتع به جا می آورد، طواف نساء واجب نیست (همان، ح ۲۱؛ طباطبایی بروجردی، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۴۲۱).

این روایات بر وجوب طواف نساء در عمره مفرده و عدم وجوب آن در عمره تمتع دلالت دارند.

- امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی که حج تمتع به جا می آورد، سه طواف بر او واجب است و برای هر طواف دو رکعت نماز و سپس دو سعی بین صفا و مروه بر او واجب است» (حرعاملی، ۱۴۹۲ق، ج ۱۱، باب کیفیت انواع حج).

- امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی که حج قرآن انجام می دهد، باید قربانی با خود همراه کند. بر او دو طواف و یک سعی واجب است، بر کسی که حج افراد به جا می آورد، همین واجب است و قارن فضیلتی بر مفرد ندارد؛ مگر به سوق هدی» (همان، ح ۱۰).

این روایات بر وجوب طواف نساء در اقسام سه گانه حج دلالت دارند؛ زیرا منظور از سه طواف واجب در حج تمتع، طواف عمره و طواف حج (افاضه) و طواف نساء است و

منظور از دو طواف واجب در حج قران و افراد، طواف حج و طواف نساء است (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۲۷۲؛ کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۲۰۳).

- امام صادق علیه السلام درباره قارن فرمود: «بر او واجب است طواف خانه خدا، دو رکعت نماز نزد مقام ابراهیم علیه السلام، سعی بین صفا و مروه، و طواف بعد از حج که همان طواف نساء است» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۴۰).

- امام صادق علیه السلام در مورد مفرد فرمود: «بر او واجب است طواف خانه خدا، دو رکعت نماز پشت مقام، سعی بین صفا و مروه و طواف خانه خدا بعد از حج» (همان).
- خزاز می گوید: «نزد امام صادق علیه السلام بودم. مردی داخل شد، گفت: فدایت شوم، همراه ما زنی حائض است که طواف نساء انجام نداده و کاروان حاضر نیست به خاطر او توقف کند. امام علیه السلام سرش را بلند کرد فرمود: برو، حج او تمام است» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، باب ۸۴، ح ۱۳).

صاحب جواهر درباره این روایات می فرماید: عبارت «طواف بعد الحج» و «فقد تم حجها» ظهور در خروج از نسك دارد (نجفی، بی تا، ج ۱۹، ص ۳۷۳؛ یعنی این روایات بر عدم رکنیت طواف نساء دلالت می کند).

- امام صادق علیه السلام فرمود: «در هنگامی که شخص ذبح و حلق انجام می دهد، هر چیزی بر او با احرام حرام شده بود، حلال می شود؛ مگر بوی خوش و زنان. هنگامی که خانه خدا را طواف می کند و سعی بین صفا و مروه را انجام می دهد، بوی خوش بر او حلال می شود و هنگامی که طواف نساء را انجام می دهد، همه چیز بر او حلال می شود؛ مگر صید» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، باب ۱۳، ح ۱).

- امام صادق علیه السلام درباره زیارت خانه خدا در یوم النحر فرمود: «بعد از طواف زیارت و سعی میجیل می شوی از هر چیزی که بر تو حرام شده بود؛ مگر زنان. پس برگرد به سوی خانه خدا و هفت بار طواف خانه خدا را انجام بده و دو رکعت نماز نزد مقام ابراهیم علیه السلام بخوان. پس میجیل می شوی از همه چیز، و از اعمال حج و محرمات آن فارغ می شوی» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۲۸، ح ۱۳).

- معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام «در مورد مردی که طواف نساء را فراموش کرد

و به کوفه برگشت از امام علیه السلام سؤال کردم. فرمود: زنان بر او حلال نمی شوند تا این طواف را انجام دهد. گفتم اگر ممکن نبود برگردد چطور؟ فرمود به شخصی امر کند که این طواف را از طرف او انجام دهد» (همان، ص ۲۳۲، ح ۲۷).

طبق این روایات، طواف نساء یکی از محلل ها محسوب می شود.

- حسین بن یقطين می گوید: «از امام کاظم علیه السلام پرسیدم، آیا طواف نساء بر خصیان و پیرزن هم واجب است؟ فرمود: بله همه طواف ها بر آنها واجب است» (همان، ص ۲۳۱، ح ۲۴).

این روایت دلالت بر وجوب طواف نساء بر مرد، زن، پیر، جوان و... دارد. یکی دیگر از ادعاهای مطرح شده این است که طواف نساء همان طواف وداع است و اگر کسی طواف نساء را انجام ندهد؛ اما طواف وداع را به جا آورد، کفایت می کند. این ادعا را ابن بابویه، ابن جنید و ابن زهره مطرح نموده اند (بروجردی، بی تا، ص ۹۹؛ ابن جنید، ۱۴۱۶ق، ص ۱۳۹؛ ابن زهره، ۱۴۱۷ق، ص ۱۷۲). دلیل این مدعا روایتی است از اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام که فرمود: «اگر نبود منت خداوند بر مردم به خاطر طواف وداع، چه بسا بسیاری از مردم با احرام برمی گشتند و زنان بر آنها حلال نمی شد» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۲۹، ح ۱۶).

برخی از فقها، این مدعا را رد نموده اند، مانند سید مرتضی که فرموده است: «برخی گفته اند طواف نساء همان طواف صدر است که ابی حنیفه و گروهی از شافعیه قائل به وجوب آن بوده و گفته اند اگر کسی بدون عذر آن را ترک کرد، باید قربانی کند. در پاسخ می گوئیم، کسانی که طواف صدر یا همان طواف وداع را واجب می دانند، هرگز آن را محلل نمی دانند و نگفته اند زنان با این طواف حلال می شوند؛ بلکه گفته اند زنان با طواف زیارت حلال می شوند. علاوه بر آن، طبق نظر ما طواف نساء بر اهل مکه هم واجب است، به جهت حلال شدن زنان بر آنها. در حالی که طواف وداع بر اهل مکه واجب نیست» (شریف مرتضی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۵۵-۲۵۶).

علامه حلی پس از نقل کلام ابن بابویه می گوید: «این کلام اشکال دارد؛ زیرا طواف وداع در نزد ما مستحب است؛ پس چگونه ممکن است از امر واجب کفایت کند و اگر استناد به روایت اسحاق بن عمار شود، می گوئیم اولاً در مورد شخص اسحاق بن عمار جای

بحث و سخن است، ثانیاً این روایت با روایات دیگر معارض است» (حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۲۰۳).
 شهید اول بیان می‌کند: «طواف وداع مکفی از طواف نساء نیست بنا بر اظهر؛ اگرچه ابن بابویه به خاطر روایت اسحاق بن عمار به مکفی بودن آن قائل شده، ممکن است روایت را حمل بر تارک عامی کنیم» (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۰۴) (منظور روایت، اهل سنت هستند که خداوند بر آنها منت نهاده، طواف وداع را به جای طواف نساء از آنها می‌پذیرد و الا از پیروان اهل بیت علیهم‌السلام که قائل به وجوب طواف نساء هستند، طواف وداع به جای طواف نساء پذیرفته نیست).

۶. طواف نساء نزد اهل سنت

همان طور که بیان شد، در کتب اهل سنت ذکری از این طواف نشده، نه وجوباً و نه استحباباً. علامه حلی فرموده است: «عامه اجماع بر عدم وجوب طواف نساء دارند و دلیل آنها روایت عایشه است که گفته: کسانی که محرم به عمره شدند طواف نموده، سعی بین صفا و مروه کردند، از احرام خارج شده و میجل شدند. سپس طواف دیگری انجام دادند» (حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۸، ص ۳۵۳). مفاد کلام علامه این است که اهل سنت به استناد این روایت معتقدند که عمره گزار پس از طواف و سعی از احرام خارج می‌شود و طواف دیگری که انجام می‌دهد، وجوبی ندارد؛ زیرا از احرام خارج شده است.

کلام ابن مسعود کاشانی مؤید سخن علامه است؛ او می‌گوید: «هنگامی که عمره گزار از سعی فارغ می‌شود حلق یا تقصیر نموده تمام آنچه بر او حرام بوده حلال و از احرام خارج می‌شود و هنگامی که قصد خروج از مکه دارد، طواف وداع را انجام می‌دهد» (کاشانی، ۱۹۸۲، ج ۲، ص ۱۳۴).

بن باز می‌گوید: «حاجی با سه امر از احرام خارج شده و میجل می‌شود: رمی جمره عقبه، حلق یا تقصیر و طواف افاضه همراه با سعی. پس اگر این سه را انجام دهد، تمام چیزهایی که بر او حرام شده بود، حلال می‌شود، از جمله زنان و بوی خوشی و اگر کسی دوتای آنها (رمی و حلق) را انجام دهد، همه چیز بر او حلال می‌شود؛ مگر زنان» (بن باز، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۴۶).

۷. تعداد طواف در اقسام حج و عمره از نظر مذاهب مختلف

با انکار طواف نساء از جانب اهل سنت، تعداد طواف‌های واجب در اقسام حج و عمره از نظر آن‌ها با نظر شیعه متفاوت خواهد بود. همان‌طور که بیان شد، امامیه تعداد طواف‌های واجب را در حج تمتع، سه طواف، در حج قران و افراد، دو طواف، و در عمره مفرد نیز دو طواف می‌دانند. اهل سنت، طواف‌های واجب را در حج تمتع دو طواف و در حج افراد، یک طواف، می‌دانند و در حج قران، برخی به وجوب دو طواف و برخی به وجوب یک طواف قائل هستند.

قرطبی گفته است: «علما اجماع دارند بر کسی که حج تمتع به جای می‌آورد، دو طواف واجب است، یکی برای محل شدن از عمره و یکی هم در یوم النحر، به خاطر روایت مشهور عایشه. کسی که حج افراد به جای می‌آورد، یک طواف بر او واجب است در یوم النحر و در مورد طواف‌های واجب در حج قران، اختلاف نظر بین علما وجود دارد. مالک، شافعی، احمد و ابو ثور معتقدند که بر قارن یک طواف و یک سعی واجب است و این طبق مذهب عبدالله بن عمر و جابر است و عمده دلیل آن‌ها روایت مشهور عایشه است. ثوری، اوزعی، ابو حنیفه و ابن ابی لیلی بر قارن دو طواف و دو سعی را واجب می‌دانند. این از علی و ابن مسعود روایت شده؛ زیرا حج و عمره دو نسک هستند که در صورت جدا بودن هر کدام یک طواف و سعی دارند؛ لذا در صورت قران و جمع بودن هم واجب است که دو طواف و دو سعی داشته باشند» (قرطبی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۵۷).

ابن قدامه گفته است: «کسی که بین حج و عمره قران ایجاد می‌کند، لازم نیست بر او عملی؛ مگر آنچه بر مفرد لازم است و یک طواف و سعی برای حج و عمره او مجزی است. در روایتی از جماعتی از اصحاب به این مطلب تصریح شده و این قول ابن عمر و جابر است و عطاء، طاوس، مجاهد، مالک، شافعی، اسحاق، ابو ثور و ابن منذر به این قول قائل هستند. از احمد روایتی نقل شده که می‌گوید بر قارن دو طواف و دو سعی واجب است. این روایت از علی نقل شده و صحیح نیست. افرادی که این قول را اختیار کرده‌اند، در استدلال خود به قول خداوند استناد نموده‌اند که فرمود: «وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ

لِلَّهِ. تمام حج و عمره به این است که هر کدام را با تمام افعالش به جای آورد و فرقی بین قارن و غیر آن نیست. همچنین حدیثی از نبی اکرم ﷺ روایت نموده‌اند که فرمود: کسی که جمع بین حج و عمره کند بر او دو طواف واجب است؛ زیرا آن‌ها دو نسک هستند. اگر از هم جدا بودند، هر کدام یک طواف داشتند؛ حال که با هم جمع شده‌اند، باید دو طواف داشته باشند. دلیل ما (بر وجوب یک طواف) روایتی از عایشه است که می‌گوید: کسانی که جمع بین حج و عمره می‌کنند، باید برای آن دو، یک طواف انجام دهند. این امر متفق علیه است» (ابن قدامه، بی تا، ج ۷، ص ۲۴۲).

علاوه بر حدیث عایشه، روایتی از ابن عمر نقل شده است: «پیامبر اکرم ﷺ از احرام خارج نشد تا حجتش را به جا آورد و در یوم النحر قربانی نمود. سپس طواف افاضه نمود، پس حلال شد بر او تمام آنچه حرام شده بود» (عبدالنصر، ۱۴۰۶ق، ج ۱۷، ص ۲۳۰).

اهل سنت با استناد به این دو روایت معتقدند که پیامبر اکرم ﷺ در حجه الوداع با انجام یک طواف از احرام خارج شدند. در اینجا لازم است نوع حج پیامبر ﷺ در حجه الوداع مشخص شود تا بتوان قضاوت نمود که تعداد و نوع طواف‌های پیامبر ﷺ مطابق با نظر اهل سنت است یا شیعه؟

۸. نوع حج پیامبر اکرم ﷺ در حجة الوداع

در باب حجة الوداع، دو روایت وجود دارد: یکی را معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام نقل کرده که در منابع روایی شیعه ذکر شده است (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۸، باب ۲۷، ج ۴؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۴۱۶، ح ۲۳۴). دیگری را جابر بن عبدالله انصاری که در آن سفر حضور داشته، نقل کرده و در منابع روایی اهل سنت آمده است (ابن کثیر، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۲۰۸). این دو روایت در حقیقت یک روایت است که از دو طریق نقل شده است. به جهت طولانی بودن روایت، بخشی از آن ذکر می‌شود.

در طی مدت ده سال که پیامبر اکرم ﷺ در مدینه بودند، یک عمره ناتمام در سال ششم هجری، دو عمره تمام در سال هفتم هجری (عمره القضاء) و سال هشتم هجری (عمره جعرانه)، و یک حج در سال دهم هجری معروف به حجة الوداع انجام دادند. این

حج به امر پروردگار توسط پیامبر اکرم ﷺ و با حضور هزاران حاجی مسلمان انجام شد تا در آن حضرت مناسک حج را به طور کامل به مسلمانان آموزش دهند. تشریع حج تمتع در این حج بود.

در روایت مذکور آمده است: «پیامبر اکرم ﷺ پس از انجام یک طواف به هنگام ورود به مکه و خواندن دو رکعت نماز طواف پشت مقام ابراهیم ﷺ و سعی بین صفا و مروه، به فرمان جبرئیل به مردم دستور داد تا از احرام خارج شوند؛ مگر آنان که با خود قربانی آورده بودند. پیامبر اکرم ﷺ و حضرت علی ﷺ که با خود قربانی آورده بودند، از احرام خارج نشدند. حضرت فرمودند: اگر من نیز این را از قبل می دانستم، چنان می کردم که به شما دستور دادم، ولی من قربانی همراه آورده ام و برای کسی که قربانی آورده، روا نیست که از احرام خارج شود تا قربانی به محل خود برسد. فردی سؤال نمود یا رسول الله! این روش که فرمودید فقط برای امسال است یا برای آینده؟ پیامبر اکرم ﷺ فرمود: برای همیشه است تا روز قیامت. آن گاه انگشتان خود را در هم فرو برد و فرمود: تا روز قیامت عمره را داخل حج کردم» (همان). به این ترتیب، حج تمتع تشریع یافت.

دو نکته از مسلمات تاریخی است: ۱. پیامبر ﷺ در این سفر حج تمتع انجام ندادند؛ ۲. پیامبر ﷺ در این سفر قربانی به همراه داشتند. اما نوع حج پیامبر ﷺ، که حج افراد بوده یا قران، نیاز به بررسی دارد.

برخی به استناد ظاهر روایت (عزم بالحج مفرداً، فلی بالحج مفرداً و ساق الهدی...) حج پیامبر ﷺ را حج افراد می دانند؛ در حالی که در روایات متعدد آمده که حج قران و افراد، یکی هستند و تنها فرقی در سوق هدی است. مانند امام صادق ﷺ فرمودند: «قارن، قارن نیست؛ مگر به سوق قربانی و بر او دو طواف و سعی بین صفا و مروه واجب است. همچنان که بر مفرد واجب است و قارن فضیلتی بر مفرد ندارد؛ مگر به خاطر سوق هدی» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۴۰، ح ۵۲).

در روایات دیگر، از حج قران به حج افرادی که قربانی به همراه دارد، نیز تعبیر شده است؛ مثل روایت امام صادق ﷺ که فرمودند: «حج در نزد ما سه گونه است: حج تمتع،

حج افرادی که هدی سوق داده و حج افراد» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۲۱۲، ح ۲).

در هر صورت، حج پیامبر ﷺ قرآن باشد یا افراد، از آنجا که طبق نظر شیعه حج قرآن و افراد دو طواف دارند و حج تمتع سه طواف دارد، روایت حجة الوداع مؤید نظر شیعه است؛ زیرا پیامبر اکرم ﷺ در این سفر دو طواف به جا آوردند؛ یکی، هنگام ورود به مکه و دیگری، هنگام برگشت از منی به مکه.

چند احتمال و پاسخ آن:

۱. طواف اول پیامبر اکرم ﷺ طواف قدوم و طواف آخر، طواف زیارت بوده است (نظر برخی از اهل سنت و مضمون روایت ابن عمر که تعداد طواف واجب پیامبر ﷺ را یک طواف دانسته است). در پاسخ باید گفت اولاً: اگر طواف اول، طواف قدوم بود، دیگر نیازی به انجام سعی بعد از آن نبود؛ زیرا یک طواف مستحبی است. در حالی که پیامبر اکرم ﷺ علاوه بر طواف، سعی نیز انجام دادند و این خود مؤیدی است بر اینکه طواف اول طواف زیارت بوده است. ثانیاً: به اعتقاد فقهای شیعه، در حج قرآن و افراد می توان طواف زیارت و سعی بین صفا و مروه را بر وقوفات در عرفات و منی تقدیم نمود. لذا در حجة الوداع، پیامبر اکرم ﷺ ابتدا طواف زیارت و سعی بین صفا و مروه انجام دادند و بعد از وقوفات عرفات و منی، طواف نساء به جای آوردند.

۲. طواف اول، طواف زیارت و طواف دوم، طواف وداع بوده است (نظر برخی از اهل سنت که تعداد طواف های واجب پیامبر را دو طواف می دانند).

در پاسخ باید گفت، به تصریح برخی از علمای اهل سنت، حتی اگر طواف وداع واجب باشد؛ اما محلل نیست؛ در حالی که طبق روایت عایشه و ابن عمر پیامبر ﷺ با انجام این طواف از احرام خارج شدند. در نتیجه، طواف آخر، طواف نساء خواهد بود.

پس از بررسی حجة الوداع می توان گفت: اولاً، در این سفر حج پیامبر اکرم ﷺ حج قرآن بوده است. ثانیاً، ایشان دو طواف انجام دادند که اولی، طواف زیارت و آخری، طواف نساء بوده است. به این ترتیب، صحت و حقانیت ادعای شیعه ثابت گردید (الله اعلم).

۹. نتیجه‌گیری

مذاهب اسلامی اقسام حج را سه نوع می‌دانند: تمتع؛ قران؛ افراد.

از نظر اهل سنت طواف سه نوع است:

۱. طواف قدوم یا ورود: افرادی که از شهرهای دور وارد مکه می‌شوند، آن را انجام می‌دهند. آنان بالاتفاق این طواف را مستحب می‌دانند.

۲. طواف زیارت یا افاضه: حاجی پس از مناسک منی و برگشت به مکه انجام می‌دهد. این طواف را بالاتفاق واجب رکنی می‌دانند و ترک عمدی آن باعث بطلان حج است.

۳. طواف وداع یا صدر: آخرین عملی که حاجی غیر مکی قبل از خروج از مکه انجام می‌دهد. وجوب یا استحباب آن اختلافی است. حنابله، حنفیه و گروهی از شافعیه قائل به وجوب آن، مالکیه و گروهی دیگر از شافعیه قائل به استحباب آن هستند.

شیعه در مشروعیت طواف‌های مذکور با اهل سنت موافق است. طواف قدوم را مستحب و طواف زیارت را واجب رکنی می‌داند. طواف وداع را مانند مالکیه مستحب می‌داند. طواف نساء را طواف واجب غیر رکنی در اقسام سه گانه حج و عمره مفرده می‌داند که ترک آن عمداً و سهواً مؤخّل به صحت حج نیست، منتهی اگر مرد طواف نساء را به‌جا نیاورد، زنان و عقد آن‌ها بر او حرام می‌شوند و بالعکس. مگر اینکه خود یا نایب او این طواف را انجام دهند.

اهل سنت بالاتفاق منکر طواف نساء می‌باشند و معتقدند که پس از طواف زیارت همه چیز بر محرم حلال می‌شود؛ حتی زنان. دلیل آن‌ها بر این امر، دو روایت از عایشه و ابن عمر است، مبنی بر اینکه پس از طواف زیارت همه چیز بر محرم حلال می‌شود و پیامبر اکرم ﷺ نیز در حجة الوداع پس از انجام آن از احرام خارج شدند.

در مقابل، دلیل شیعه بر وجوب طواف نساء، اجماع، احتیاط و روایات صحیحیه بسیاری است که از ائمه معصومان (علیهم‌السلام) رسیده است. برخی از فقهای شیعه، به استناد

روایتی از اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام طواف وداع را از طواف نساء مکفی می دانند که طبق کلام شهید اول باید روایت را حمل بر تارک عامی نمود؛ یعنی منظور روایت، اهل سنت هستند و خداوند بر آنها منت گذاشته و طواف وداع را به جای طواف نساء از آنها پذیرفته است.

بررسی حجة الوداع، دلیلی برای اثبات نظر شیعه بر وجوب طواف نساء است؛ زیرا حج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این سفر، حج قران بوده و طبق نظر امامیه و برخی از فرق اهل سنت، در حج قران انجام دو طواف واجب است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این حج دو طواف انجام دادند (قبل از وقوفات و بعد از بازگشت از منی) که از سه حالت خارج نیست: الف. طواف اول، قدوم و طواف دوم، زیارت؛ ب. طواف اول، زیارت و طواف دوم وداع؛ ج. طواف اول، زیارت و طواف دوم نساء. دو حالت اول (مطابق نظر اهل سنت) مردود و حالت سوم (مطابق نظر امامیه) تنها فرض صحیح است.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

۱. ابن قدامه، عبدالله (بی تا)، المغنی، بیروت: دارالکتاب العربی.
۲. ابن کثیر (۱۴۱۲ق)، البدایه و النهایه، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۳. اسکافی، ابن جنید، محمد بن احمد (۱۴۱۶ق)، مجموعه فتاوی ابن جنید، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴. بروجردی، عبدالرحیم بن محمد حسین (۱۴۰۶ق)، رسالتان مجموعتان من فتاوی العلمین، مجموعه فتاوی ابن بابویه، قم: الاخلاص.
۵. بن باز، عبدالعزیز بن عبدالله (۱۴۲۳ق)، منسک الامام بن باز، جده: دارالمحمدی.
۶. الجزیری، عبدالرحمن (۱۴۰۶ق)، الفقه علی المذاهب الاربعه، بیروت: دارالفکر.
۷. الجزیری، عبدالرحمن؛ غروی، سید محمد؛ ماذح، یاسر (۱۴۱۹ق)، الفقه علی المذاهب الاربعه و مذهب اهل البيت (علیهم السلام)، بیروت: دارالثقلین.
۸. جعفر پیشه فرد، مصطفی (۱۳۸۶ ش)، درآمدی برفقه مقارن، تهران: معاونت امور روحانیون بعثه مقام معظم رهبری.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
۱۰. حلی، ابن زهره، حمزه بن علی (۱۴۱۷ق)، غنیة النزوع الی علمی الاصول و الفروع، قم: مؤسسه امام صادق (علیه السلام).
۱۱. حلی، علامه، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق)، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۲. _____ (بی تا)، تذکره الفقهاء، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
۱۳. الزحلی، وهبة (بی تا)، فقه اسلامی و ادلته، چاپ دوازدهم، دمشق: دارالفکر.

١٤. سيد سابق (١٤١٩ق)، فقه السنة، مكتب البحوث و الدراسات، چاپ دوم بيروت: دارالفكر.
١٥. شريف مرتضى، على بن حسين (١٤١٥ق)، الانتصار فى انفرادات الامامية، قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
١٦. شهيد اول، محمد بن مكى عاملى (١٤١٧ق)، الدروس الشرعيه فى فقه الامامية، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
١٧. شهيد ثاني، زين الدين على بن احمد عاملى (١٤٠٣ق)، الروضة البهية فى شرح اللمعة الدمشقية، تصحيحا للسيد كلانتر، الطبعة الثانية، بيروت: داراحياء التراث العربى.
١٨. _____ (١٤١٣ق)، مسالك الافهام، قم: مؤسسه المعارف الاسلاميه.
١٩. طباطبائي بروجردى، حسين (١٤٢٣ق)، جامع احاديث شيعه، قم: مؤسسه الواصف.
٢٠. طوسى، ابو جعفر محمد بن حسن (١٤٠٧ق)، الخلاف، قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
٢١. _____ (١٤٠٠ق)، النهاية فى مجرد الفقه و الفتاوى، چاپ دوم، بيروت: دارالكتاب العربى.
٢٢. _____ (١٤٠٧ق)، تهذيب الأحكام، چاپ چهارم، تهران: دارالكتب الاسلاميه.
٢٣. عبدالناصر، جمال (١٤٠٦ق)، موسوعة الفقه الاسلامى، قاهره: يصدرها المجلس الأعلى للشئون الاسلاميه، وزارت اوقاف.
٢٤. العلاف، عبدالله بن احمد (بى تا)، اعمال الحج، مكة المكرمة: دارالطرفين، مكتبة الفرقان.
٢٥. قرطبى، احمد بن محمد (ابن رشد) (١٤١٥ق)، بداية المجتهد و نهاية المقتصد، بيروت: دارالفكر.
٢٦. كاشانى، ابوبكر بن مسعود (١٩٨٢م)، بدايع الصنائع فى ترتيب الشرائع، بيروت: دارالكتاب العربى.

۲۷. کرکی، علی بن حسین عاملی (۱۴۱۴ق)، جامع المقاصد، چاپ دوم، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۲۹ق)، الکافی، قم: مرکز بحوث دارالحديث.
۲۹. المالکی، ابوالحسن (۱۴۱۲ق)، کفایة الطالب الربانی لرسالة ابی زید القيروانی، بیروت: دارالفکر.
۳۰. محمدی نژاد، حسین علی (۱۴۱۲ق)، حج از دیدگاه مذاهب اسلامی، ترجمه محمد ابراهیم جناتی، قم: مشعر.
۳۱. نجفی، محمد حسن (بی تا)، جواهر الکلام، چاپ هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۲. النووی، ابو ذکریا، محی الدین یحیی بن شرف (۱۳۹۲ق)، شرح النووی علی مسلم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة الثانية.
۳۳. _____ (بی تا)، منهاج الطالبین، بیروت: دارالمعرفة.
۳۴. بی نام (بی تا)، فقه عام، موسوعة الفقه الاسلامی، نرم افزار المكتبة الشاملة.
۳۵. مجموعة من المؤلفين (۱۴۰۴-۱۴۲۷ق)، موسوعة الفقهية الكويتية، الكويت: صادر عن وزارت الاوقاف و الشؤون الاسلامية.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی